

مجله مطالعات ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال پانزدهم، شماره سی‌ام، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

بازتاب اوضاع اقتصادی و رفاه اجتماعی قرن پنجم در سفرنامه ناصر خسرو*

دکتر اطهر تجلی اردکانی^۱ (نویسنده مسئول)

عشرت قبادی حبیب آباد^۲

چکیده

سفرنامه‌ها منابعی هستند که با استفاده از آن‌ها می‌توان به بررسی مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، دینی، تاریخی، جغرافیایی، نوع لباس، خوراک و آداب و رسوم و غیره پرداخت. در میان سفرنامه‌های فارسی، سفرنامه ناصر خسرو را شاید بتوان دقیق‌ترین منبع در نوع خود به شمار آورد. توصیف ناصر خسرو در این اثر از مکان‌ها، جوانب مختلف را در بر می‌گیرد. یکی از این جنبه‌ها توجه به وضعیت اقتصادی مناطق است. وی با دقت، به توصیف اوضاع اقتصادی مناطقی که در طی سفر از آن‌ها عبور کرده، از جمله وضعیت تجارت، کشاورزی، صنعت و عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی شهرها و نیز شاخص‌های رفاه مانند عمارت‌ها، تولیدات کشاورزی و مشاغل پرداخته‌است. رونق و شکوفایی اقتصاد شهرها بیشتر به عواملی چون: تدبیر حاکمان، شرایط اقلیمی، رواج تجارت و تنوع مشاغل بستگی داشته‌است. بر اساس توصیف‌های ناصر خسرو، مصر از جهات مختلف، از اقتصاد و رفاه بهتری برخوردار و از نظر شکوه عمارت‌ها، تنوع محصولات و گوناگونی مشاغل در میان شهرها شاخص بوده‌است. این تحقیق به روش کتابخانه‌ای و اسنادی و تحلیل محتوا انجام گرفته‌است.

واژه‌های کلیدی: ناصر خسرو، سفرنامه، اقتصاد، رفاه.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله ۱۳۹۵/۱۰/۵

minatajalli@gmail.com

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۳/۱۸

نشانی پست الکترونیک نویسنده مسئول: ل.

۱. عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج

۲. دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج

۱. مقدمه

در قرن پنجم دو خلافت مقتدر عباسی در بغداد و فاطمی در مصر، با یکدیگر رقابت داشتند. خلفای عباسی، نمایندگی مذهب اهل سنت را برعهده داشتند و خلفای فاطمی نماینده مذهب تشیع بودند. هر دو خلافت برای توسعه قدرت سیاسی و مذهبی خود بر سر تسخیر ممالک و تصرف منابع اقتصادی با هم نزاع داشتند. مراکز حکومت‌ها یعنی بغداد و قاهره به نسبت دیگر نواحی وضعیت اقتصادی و اجتماعی ویژه‌ای داشتند. در قلمرو عباسیان، به کشاورزی و تجارت توجه خاصی نشان داده می‌شد. «از اهداف اقتصادی فاطمیان همانند دولت‌های قبلی آفریقا و مغرب، تسلط بر شهرها و راه‌های تجاری طلا بوده است، زیرا هر اندازه داد و ستد طلا در شهری بیشتر می‌شد، قدرت و اعتلای حکومت آنها فزونی می‌گرفت» (چلونگر، ۱۳۸۶: ۱۹۷). همانطور که ابن خلدون نیز گفته: «نهیضت اسماعیلی در جهت اهداف سیاسی خود به اهداف تجاری در جهت رشد و گسترش دعوت خود به یک اندازه بها می‌داد» (ابن خلدون، ۱۳۶۶: ۸۹).

از اقدامات دولت فاطمیان در آفریقا، که در جلب قلوب عامه مؤثر افتاده بود، برقراری امنیت اقتصادی بود. آن‌ها در مناطقی که فتح می‌کردند، بی‌درنگ امنیت را برقرار می‌کردند. «این عمل موجب گسترش ارتباط تجاری و تسریع در حرکت اقتصادی آفریقا شد» (همان: ۲۱۱).

«اوایل دولت فاطمیان، بغداد مرکز تجاری دنیای اسلام محسوب می‌شد و این امر تأثیرات نامطلوبی بر اقتصاد مصر داشت. با استیلای کامل فاطمیان و مسلط شدن بر اوضاع، حجم تجاری ایشان رشد بسیاری نمود و قدرت اقتصادی عراق کاهش یافت و تعدادی از تجار به دلیل ناامنی بغداد، به مصر گریختند و این امر در پیشرفت اقتصاد مصر خیلی تأثیرگذار بود» (لین پل، ۱۳۶۳: ۶۰).

«فاطمیان اصلاحات اقتصادی خود را در مصر با بالا بردن ارزش دینار مشروع کردند. وزن دینار فاطمی ۴ تا ۴/۶ گرم و بالاترین عیار بلاد اسلامی بوده است» (مقریزی به نقل از خواجه میرزا، ۱۳۹۲: ۱۰۶).

در این مقاله سعی بر آن است که شرایط اقتصادی دنیای اسلام در قرن پنجم با توجه به سفرنامه ناصر خسرو بررسی شود.

برای ورود به بحث لازم است به مفهوم اقتصاد و رفاه اشاره شود. اقتصاد: «علمی است که رفتار و رابطه انسان را با اشیای مادی مورد نیاز او که به رایگان در طبیعت نمی‌یابد، مطالعه می‌کند» (گروه اقتصاد حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱: ۲۸).

در کتاب مبانی اقتصاد اسلامی به نقل از آدام اسمیت، اقتصاد این گونه تعریف شده است: «اقتصاد علم بررسی ماهیت و علل ثروت ملل است و به نقل از آلفرد مارشال مطالعه بشر در زندگی شغلی و حرفه ای است.» (همان: ۳۰ و ۳۱).

مفهوم اقتصاد و رفاه اجتماعی ملازم یکدیگرند. فعالیت اقتصادی انسان، بدون آنکه خود بخواهد و یا بداند، مطابق مصلحت و نفع جامعه است و در نتیجه، رفاه اجتماعی را تأمین می کند. بنابراین، تعریف رفاه نیز ضروری به نظر می رسد.

رفاه مفهومی است که توصیف کننده بهزیستی، تأمین زندگی و فقرزدایی است. «هدف اولیه رفاه اجتماعی، از بین بردن فقر و محرومیت است» (باری، ۱۳۸۰: ۲۱).

از فحوای گفته های ناصر خسرو در سفرنامه، می توان به وضعیت اقتصادی و میزان رفاه در قلمرو حکومت فاطمیان و عباسیان در قرن پنجم پی برد. ناصر خسرو مناطقی که در طی سفر مشاهده نموده، با جزئیات دقیقی توصیف کرده است. از توصیف عمارت هایی چون: قصرها، مساجد و اماکن مذهبی، بازارها و خانه ها می توان تا حدودی با ساختار اقتصادی و رفاهی مناطق مورد مشاهده آشنا شد. از دیگر شاخص های اقتصاد و رفاه در این مقاله به امکانات عمومی و تنوع محصولات نیز اشاره می شود.

۱-۱. بیان مسئله

اقتصاد و رفاه اجتماعی، از شاخصهای مهم توسعه و نمایانگر سهم جوامع در مسیر تمدن هستند. حاکمان برای تثبیت موقعیت سیاسی خود، به منابع اقتصادی نیاز دارند؛ به ویژه اگر رقیب یا رقبای قدرتمندی بر سر تصاحب حکومت، با ایشان منازعه داشته باشند. در قرن پنجم، دنیای اسلام تحت فرمانروایی دو خلافت عباسی در بغداد و فاطمی در مصر اداره می شد. هریک از این دو نهاد خلافت، سعی در حذف و امحای دیگری داشت. این حکومت ها، برای حفظ و دوام خود، می بایست از سویی رضایت مردم را با فراهم آوردن اسباب رفاه ایشان تأمین می کردند، تا از گرایش آنان به حکومت رقیب، جلوگیری کنند و از سوی دیگر، در جهت شکوفایی اقتصاد و دستیابی به منابع مالی، کوشش می نمودند. سفرنامه ناصر خسرو یکی از منابعی است که با مطالعه آن می توان دانست، میزان رونق اقتصادی و اسباب رفاه، در مناطق تحت فرمانروایی عباسیان و فاطمیان و حاکمان دست نشانده آنان، چگونه بوده است. این کتاب، اولین گزارش سفر به زبان فارسی و منبعی معتبر در نوع خود محسوب می شود. روشن شدن وضعیت اقتصادی و رفاهی ممالک اسلامی، میزان اقتدار و توان مدیریت زمامداران و نیز حدود اثرگذاری آنان را در مسیر تمدن جهان اسلام، آشکار می کند. مشاهدات ناصر خسرو می تواند تحلیل نسبتاً دقیقی از این اوضاع به دست دهد.

۱-۲. پیشینه پژوهش

با جستجو در کتاب‌ها و مقالات موجود، پژوهشی با این عنوان یافت نشد، اما از تحقیقاتی که به نحوی به این موضوع نزدیک هستند، می‌توان از مقاله ایرج افشار با عنوان «قیمت اجناس در سفرنامه ناصر خسرو» نام برد که در یادنامه ناصر خسرو انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۵۵ به چاپ رسیده است. در این مقاله چنان که از عنوان آن برمی‌آید، تنها قیمت اجناس به سه نوع تقسیم‌بندی شده است: یک، نوع قیمت اجناس در مواقع سختی و قحطی، دوم قیمت‌های ارزان برخی اجناس به علت وفور آنها در مناطقی خاص و سرانجام قیمت بعضی اشیای شاهانه و طرایف زیبا. تحقیق دیگری که به طور غیر مستقیم با موضوع این مقاله مربوط می‌شود، مقاله «منابع مالی دولت فاطمیان» نوشته محمود خواجه میرز است که در فصلنامه تاریخ اسلام سال چهارم تابستان ۱۳۸۲ چاپ شده است. نویسنده مقاله، دوام و تثبیت سه قرن حکومت فاطمیان را مرهون اقتصاد سازمان‌یافته آنان می‌داند. سفرنامه ناصر خسرو یکی از منابع وی در تبیین رونق اقتصادی و تنوع آثار هنری و صنایع مصر است. مقاله «مقدمه‌ای بر فعالیت‌های اقتصادی مسلمین در مصر در قرن ۴ و ۵ هجری» چاپ شده در پژوهش نامه تاریخ، ش ۱، صص ۱۴۷ تا ۱۶۸ نیز به اقتصاد دوره فاطمیان پرداخته است.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

پژوهش حاضر در شناختن برهه مهمی از تاریخ سرزمین‌های اسلامی و سهم آن در تمدن جهانی شایان اهمیت است. با بررسی وضعیت اقتصادی و رفاهی این قلمرو، جلوه‌هایی از فرهنگ و تمدن و نیز نحوه اداره ممالک عیان می‌گردد و از همه مهم‌تر این که این اطلاعات با مطالعه کتابی ادبی به دست می‌آید و نشان می‌دهد آثار ادبی جز التذاذبخشیدن به خواننده، بر آگاهی و دانش‌های وی در زمینه‌های گوناگون می‌افزاید.

۲. بحث

برای پی بردن به اوضاع اقتصادی و رفاهی عصر ناصر خسرو، شاخص‌هایی چون کیفیت عمارت‌ها شامل قصرها، مساجد و اماکن مذهبی، بازارهای نیکو و همچنین رونق اقتصادی در شهرها، تنوع محصولات و امکانات عمومی بررسی می‌شود.

۲-۱. عمارت‌ها

بنا به گفته کاظمی «پیشرفت بازرگانی برای مسلمانان ثروت فراوان به همراه داشت و مسلمانان توانستند به ساختن باشکوه‌ترین مساجد و گسترده‌ترین مدرسه‌ها و کاخ‌ها توفیق یابند» (کاظمی شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۰۱).

عمارت‌ها شامل ساختمان‌هایی از قبیل قصرها، مساجد و مکان‌های مذهبی هستند که وسعت، مصالح و تزئینات آن‌ها می‌تواند بیانگر رفاه و برخوردارگی منطقه باشد.

۲-۱-۱. قصرها

مطالعه صورت گرفته در منابع نشان می‌دهد که رشد و رونق فعالیت‌های اقتصادی در مصر در قرن چهارم و پنجم هجری رابطه منطقی با اقتدار و مدیریت جدی حکمرانان داشته‌است. سیمای اقتصادی مصر در قرون یاد شده، غالباً با رشد درآمد، گسترش تجارت، رونق بازار و کسب و کار، آمد و رفت تجار، تردد صدها کشتی، هزاران شتر با مال‌التجاره از غرب و شرق، خرید و فروش محصولات کشاورزی و صنعتی در بازارهای مصر نمود می‌یابد. رونق اقتصادی در تجمل و شکوه قصرها بازتاب یافته‌است. به گواهی سفرنامه و نیز اشعار ناصر خسرو، فاطمیان، برای به رخ کشیدن اقتدار خود به تزئین با تکلف عمارات و باغ‌های قصرها اهتمام می‌ورزیدند.

«صرف نظر از تاریخ سیاسی فاطمیان، موقعیت جغرافیایی مغرب و مصر در ارتقای نظام فرهنگی و تمدنی خلافت مؤثر افتاد؛ بویژه هنرمندان مسلمان از همه امکانات موجود در مصر بهره جستند تا بهترین کالای هنری را به جهان اسلام عرضه نمایند.» (جان احمدی، ۱۳۸۸: ۲۴).

از جمله قصرهایی که در سفرنامه توصیف شده‌است، قصر مستنصر بالله در شهر قاهره است، اما قبل از توصیف‌های ناصر خسرو در مورد این قصر تا حدودی با منطقه مصر و قاهره آشنا می‌شویم. «خلیفه فاطمی، معز بالله، از وخامت اوضاع اقتصادی و سیاسی مصر در زمان ابوالفوارس احمد بن علی پادشاه اخشید، بهره برد و در سال ۳۵۸ ق/ ۹۶۹ م بر مصر استیلا یافت» (طوقوش، ۱۳۸۷: ۲۵۹).

مقدسی شهر مصر را قبة الاسلام معرفی می‌کند و رودخانه آن را گران‌مایه‌ترین نهرها می‌داند. به گفته او خدا آنجا را میان دو دریا نهاده و نامش را در جهان، بلند آوازه ساخته است. همین بس که شام با آن همه گران‌مایگی روستای آن می‌باشد (نک: مقدسی، ۱۳۸۵: ۲۷۵).

دزفولیان به نقل از حدود العالم ص ۱۷۴، مصر را توانگرترین ناحیه در بین مسلمانان معرفی می‌کند. این کشور در شمال شرق آفریقا قرار دارد (دزفولیان، ۱۳۸۷: ۱۳۱۸).

مقدسی شهر قاهره را این چنین توصیف می‌کند: «قاهره، شهری است که جوهر فاطمی هنگامی که مصر را گشود و صاحبش را مغلوب کرد (برای سربازان) ساخت. بزرگ و زیبا و دارای [چهل گرمابه و بازارهاست] و جامعی دل‌باز نیز دارد. کاخ سلطان در میان برج و بارو در کنار شهر است» (مقدسی، ۱۳۸۵: ۲۸۵).

فاطمه جان احمدی، معتقد است که: «قاهره یکی از مهم‌ترین نمونه‌های شهرسازی فاطمیان در مصر و در نزدیکی پایتخت اسلامی مصر است، زیرا می‌توان در آن درایت و حسن تدبیر معماران فاطمی را دریافت» (جان احمدی، ۱۳۸۸: ۲۰۶).

این مطالب گویای توجه ویژه فاطمیان به معماری است و این عنایت در توصیفاتی که در سفرنامه از قصرها شده نمایان است.

ناصرخسرو قصر قاهره را چنین توصیف می‌کند

قصر سلطان میان شهر قاهره است و همه حوالی آن گشاده که هیچ عمارت بدان نپیوسته است و مهندسان آن را مساحت کرده‌اند برابر شهر میافارقین است، و گرد بر گرد آن گشوده است... و چون از بیرون شهر بنگرند، قصر سلطان چون کوهی نماید از بسیاری عمارات و ارتفاع آن، اما از شهر هیچ نتوان دید که باروی آن عالی است... و آن دوازده گوشک است، و این حرم را ده دروازه است: باب الفتوح، باب الزلّاقه، باب السّریه، باب الذّهب، باب البحر، باب السریج، باب الزّومه، باب العید، باب الزبرجد، باب السعید و باب السلام، و در زمین دری است که سلطان سواره از آنجا بیرون رود و از شهر بیرون قصری ساخته است که مخرج آن رهگذر در آن قصر است و آن رهگذر را همه سقف محکم زده‌اند از حرم تا به گوشک و دیوار گوشک از سنگ تراشیده ساخته‌اند که گویی از یک پاره سنگ تراشیده‌اند، و منظرها و ایوان‌های عالی بر آورده و از اندرون دهلیز دکان‌هاست. (ناصرخسرو، ۱۳۸۲: ۱۶۳ و ۱۶۴)

وسعت زیاد از عظمت و شکوه این قصر حکایت می‌کند و اقتصاد پررونق شهر قاهره را نشان می‌دهد.

ناصرخسرو در جای دیگر با جزئیات بیشتر علاوه بر توصیف قصر، لوازم و اسباب، تزئینات و تکلفات در خوراک را این گونه توصیف می‌کند:

چون از در سرای، به در شدم عمارت‌ها و ایوان‌ها دیدم که اگر وصف آن کنم کتاب به تطویل انجامد. دوازده قصر در هم ساخته، همه درجات مربعات که در هر یک که می‌رفتم از یکدیگر نیکوتر بود و هر یک به مقدار صد ارش در صد ارش. و یکی از این جمله چیزی بود شصت اندر شصت و تختی به تمامت عرض خانه نهاده به علو چهار گز از سه جهت آن تخت همه از زر بود، شکارگاه و میدان و غیره بر آن تصویر کرده و کتابتی به خط پاکیزه بر آنجا نوشته و همه فرش و طرح در این حرم بود همه آن بود که دیبای رومی و بوقلمون به اندازه هر موضعی بافته بودند و دارافزینی مشبک از زر بر کناره‌ای نهاده که صفت آن نتوان کرد، و از پس تخت که با جانب دیوار است درجات نقره‌گین ساخته و آن تخت خود چنان بود که اگر این کتاب سربه‌سر صفت آن باشد، سخن مستوفی و کافی نباشد. گفتند پنجاه هزار من شکر، راتبه آن روز باشد که سلطان خوان نهد، آرایش خوان را درختی دیدم چون درخت ترنج و همه شاخ و برگ و بار آن از شکر ساخته و اندرو هزار صورت و تمثال ساخته همه از شکر. و مطیخ سلطان بیرون از قصر است و

پنجاه غلام همیشه در آنجا ملازم باشند و از کوشک راه به مطبخ است در زیرزمین و ترتیب ایشان چنان مهیا بود که همه روز چهارده شتروار برف به شرابخانه سلطان بردند و از آنجا بیش تر امرا و خواص را راتبه‌ها بودی و اگر مردم شهر جهت رنجوران طلبیدندی هم بدادندی. (ناصر خسرو، ۱۳۸۵: ۱۷۵ و ۱۷۶)

همان‌طور که جان احمدی در تاریخ فرهنگ و تمدن توضیح داده، هنر چوب‌بری و کنده‌کاری با نقش مایه‌های نباتی اسلیمی، در مصر عصر فاطمی احیا شد. در کنار تصاویر حیوانی و نباتی، تزئین‌کاری با خط کوفی نیز متداول بوده است. (رک. جان احمدی، ۱۳۸۸: ۲۰۵).

منابع تاریخی گزارش‌های مفصلی از منسوجات عالی‌زربفت، حیوانات مرصع، قالی و مفروش‌ات و اشیای سیمین و زرین در عصر فاطمی به دست داده‌اند، که ناصر خسرو نیز به استفاده از فرش‌های زیبا اشاره کرده است.

معماری زیبا، استفاده از جواهرات، وسعت زیاد قصر، همگی نشان‌دهنده اقتصاد و رفاه حکومت فاطمیان است. مقدار طلائی که در ساخت تخت به کار گرفته شده، حکایت از وضعیت مناسب اقتصادی سلاطین فاطمی دارد؛ چنان‌که جیهانی گفته «آنها از راه سودان و سجلماسه، طلاهای زیادی را با شتر حمل می‌کرده و با خود به مصر می‌آورده‌اند» (جیهانی، ۱۳۶۸: ۶۳).

۲-۱-۲. مساجد و مکان‌های مذهبی

فاطمیان از مساجد و مدارس و کتابخانه‌ها برای گسترش عقاید دینی خود بهره می‌گرفتند. المعز، جامع الأزهر را در سال ۳۹۵ ق، افتتاح کرد؛ با این هدف که علوم دینی را گسترش دهد (نک. کسایبی، ۱۳۶۳: ۳۳).

آنان برای برآورده کردن هدف تحقیق و پژوهش، مساجد را به کار می‌گرفته‌اند، از این رو مساجد را به بهترین وجه می‌ساخته‌اند، و «برای اداره و تعمیر مساجد، زمین‌ها و اماکن را به عنوان وقف می‌دادند.» (مقریزی، به نقل از خواجه میرزا، ۱۳۹۱: ۱۱۱).

هر ساله سه روز تا پایان ماه رمضان گروهی بازرس به مساجد و زیارتگاه‌ها و اماکن مقدس سرکشی می‌کردند و در صورت نیاز آن اماکن به حصر و قنديل و بازسازی بنا، آن را در دفاتر مخصوص ثبت می‌کردند (مک ایودی، ۱۳۶۵: ۲۹۵).

مساجد زیبا علاوه بر نشان دادن معماری و فرهنگ و هنر اسلامی می‌تواند نشان‌دهنده تدابیر سلاطین و نحوه حکومت‌داری، نوع رسیدگی‌شان به اماکن مذهبی و اوضاع اقتصادی آنها باشد.

ناصر خسرو ضمن توصیف قصرها و خانه‌ها به توصیف مکان‌های مذهبی و مساجد نیز پرداخته است. وی به شهر طرابلس که رسیده، به بیان ویژگی‌های مسجد آدینه این شهر

پرداخته است. ابتدا ویژگی‌های شهر طرابلس را از زبان مقدسی بیان می‌کنیم. «طرابلس بندری است در شمال لبنان، کنار دریای مدیترانه، شمال شرقی بیروت. احتمالاً در قرن (۷م) تاسیس شد. در دوره رومیان و سلوکیان رونق داشت. در سال ۶۳۸ به تصرف مسلمانان درآمد. صلیبیون در (۱۱۰۹م) آن را گرفتند. در سال (۶۸۸ه.ق) سلطان منصور قلاوون، آن را گرفت و تاراج کرد» (دزفولیان، ۱۳۸۷: ۹۵۶).

ناصرخسرو پس از توصیف طرابلس این چنین مسجد آنجا را توصیف می‌کند: در میان شهر طرابلس مسجدی آدینه، عظیم و پاکیزه و نیکو آراسته و حصین، در ساحت مسجد قبه‌ای بزرگ ساخته و در زیر قبه حوضی است از رخام و در میانش فواره برنجین و در بازار مشرعه‌ای ساخته است که به پنج نایزه آب بسیار بیرون می‌آید که مردم برمی‌گیرند و فاضل بر زمین می‌گذرد و به دریا درمی‌رود و این شهر تعلق به سلطان مصر داشت. (ناصرخسرو، ۱۳۸۲: ۱۳۲)

بعد از شهر طرابلس ناصرخسرو به شهر بیت المقدس وارد شده و به توصیف مسجد الاقصی و قبه صخره می‌پردازد، اما ابتدا لازم است به معرفی شهر بیت المقدس بپردازیم. مقدسی می‌گوید: در میان شهرهای حوزه، بزرگتر از آن نیست، ساختمان‌های آن را از سنگ می‌داند، هم مسجد شهر را بزرگ می‌داند و هم مردمش را بی‌آلایش (نک. مقدسی، ۱۳۸۵: ۲۳۳).

مسجد الاقصی به دستور عبدالملک، خلیفه اموی ساخته شده، ولی در طول زمان به دست صلیبیان و مسلمانان تغییرات مهمی روی آن انجام شده؛ به طوری که صورت اولیه خود را از دست داده است. مسجد الاقصی از یکسو به کلیساهای اوایل مسیحیت شباهت پیدا می‌کند و از سوی دیگر، نمونه‌ای است که کمی بعد در مسجد جامع دمشق و قیروان در شمال آفریقا از آن اقتباس شد. خلفای بنی امیه از اصول معماری در امپراطوری بیزانس در ساخت مسجد استفاده کرده‌اند، اما تزئینات آن ترکیبی بود از اصول تزئینی بیزانس و ساسانی (وزیری، ۱۳۶۹، ۲۱۴ تا ۲۱۷).

توصیف مسجد الاقصی از زبان ناصرخسرو چنین است:

چون از در مسجد که به مهد عیسی مشهور است بگذری، چون به گوشه مسجد بزرگ رسند، مسجدی دیگر است عظیم نیکو، بزرگ‌تر از مسجد مهد عیسی و آن را مسجد الاقصی گویند و آنجا را عمارتی با تکلف کرده‌اند و فرش‌های پاکیزه افکنده و خادمان جداگانه ایستاده، همیشه خدمت آن را کنند. چون به دیوار جنوبی بازگردی، از آن گوشه مقدار دویست گز پوشش نیست و ساحت است و پوشش مسجد بزرگ که مقصوره در اوست بر دیوار جنوبی است و غربی، این پوشش را چهارصد و بیست ارش طول است در صد و پنجاه ارش عرض، و دویست و هشتاد ستون رخامی است و بر سر استوانه‌ها طاقی از سنگ زده و همه سر ستون‌ها منقش است و درزها به ارزش گرفته. محرابی بزرگ ساخته‌اند همه منقش به مینا و دو جانب محراب دو عمود رخام است به رنگ عقیق سرخ، و تمامت ازاره مقصوره، رخام‌های ملون و بر دست راست محراب معاویه است،

و بر دست چپ محراب، عمر است -رضی الله عنه- . این مسجد چهل و دو طاق دارد و همه ستون‌هایش از رخام ملون است و این رواق با رواق مغربی پیوسته است و در اندرون پوشش حوضی در زمین است که چون سر نهاده باشد، با زمین مستوی باشد جهت آب، چون باران آید در آن جا رود، بر دیوار جنوبی دری است و آنجا متوضّاست و آب، که اگر کسی محتاج وضوی شود، در آنجا رود و تجدید وضو کند؛ چه اگر از مسجد بیرون شود، به نماز نرسد و نماز فوت شود از بزرگی مسجد. (ناصرخسرو، ۱۳۸۲: ۱۴۵ و ۱۴۶)

ناصرخسرو، مسجد قبه را که جزئی از مسجد الاقصی است، نیز توصیف می‌کند: بنای مسجد چنان نهاده است که دکان به میان ساحت آمده و قبه صخره به میان دکان و صخره به میان قبه، و این خانه‌ای است مثنی‌راست، چنان که هر ضلعی از این هشت‌گانه سی‌وسه ارش است و چهارده در بر چهار جانب آن نهاده و همه دیوار به سنگ تراشیده، بنا کرده‌اند مقدار بیست ارش، به چهار جانب صخره چهار ستون بنا کرده‌اند مربع، به بالای دیوار خانه مذکور، و میان هر دو ستون از چهارگانه جفتی استوانه رخام قایم کرده، همه به بالای آن ستون‌ها، و بر سر آن دوازده ستون و استوانه بنیاد گنبدی است که صخره در زیر آن است. اکنون میان این ستون‌ها و دیوار خانه شش ستون دیگر بنا نهاده است از سنگ‌های مهندم و میان هر دو ستون، سه عمود رخام ملون به قسمت راست نهاده، چنان که در صف اول میان دو ستون عمود بود این جا میان دو ستون سه عمود است. (همان: ۱۴۸ و ۱۴۹)

به گفته وزیری در کتاب تاریخ عمومی هنر، خلیفه دوم دستور داد که در روی آن صخره مسجد بسازند و با این که این مسجد در زمان عبدالملک بن مروان ساخته شد، ولی هنوز آن را مسجد عمر می‌نامند. طرح این مسجد شباهتی به مسجد مدینه ندارد و شباهت آن به کلیسای ایاصوفیه در قسطنطنیه زیادتر است. قسمت مرکزی این مسجد به صورت استوانه‌ای است که در روی آن گنبد قرار دارد و در اطراف استوانه دو ردیف ستون سنگی و پایه‌های پنج ضلعی، مسجد را به صورت بنای هشت ضلعی درآورده است. برای تزئین قدیم‌ترین مساجد، یعنی قبه الصخره و مسجد جامع دمشق، از هنرمندان بیزانس استفاده شده، بیشترین تزئینات به صورت موزائیک و الصاق قطعات سنگ‌های رنگین و یا شیشه‌های رنگین بوده. موضوع این تزئینات بیشتر به سبک مغرب بوده و برگ (لنگر) بیشتر از سایر نقوش دیده می‌شود. کم‌کم به علت توجه به نقوش ساسانی، برگ‌های مزبور را به صورت اسلیمی نقش نمودند و در قبه الصخره، غلبه با نقش‌های اسلیمی است که توسعه یافته و اساس نقوش تزئینی اسلامی قرار گرفته است» (وزیری، ۱۳۶۹: ۲۱۴ و ۲۱۷).

در ساخت این دو مسجد از سنگ‌های رخام زیادی استفاده شده که سنگ‌هایی گران‌قیمت هستند. پیرایه‌های زیبایی بر این مساجد به کار برده‌اند که این نقش‌ها علاوه بر بیان نوع معماری حکومت اسلامی، می‌تواند بیانگر اوضاع اقتصادی این شهرها و حکومت آن‌ها

باشد. یکی دیگر از مساجد باشکوه مصر، مسجد جامع آن سرزمین است که در سفرنامه ناصر خسرو توصیفی مفصل درباره آن آمده است (رک: ناصر خسرو، ۱۳۸۲: ۱۷۱ و ۱۷۲). ناصر خسرو نه تنها مساجد را به خوبی توصیف می‌کند، بلکه از مرقد بزرگان نیز غافل نیست. وی به توصیف مرقد حضرت ابراهیم (ع) می‌پردازد، مرقدی که از بیت المقدس شش فرسنگ فاصله دارد و در دهی به نام مطلقون قرار دارد. در ادامه از مرقد اسحاق بن ابراهیم و همسرش و نیز مرقد ساره، همسر حضرت ابراهیم (ع)، سخن می‌گوید: مشهد چهار دیواری است از سنگ تراشیده ساخته و بالای آن هشتاد ارش در پهنای چهل ارش، ارتفاع دیوار بیست ارش، سر دیوار دو ارش ثخانت دارد و محراب و مقصوره کرده است از پهنای این عمارت، و در مقصوره، محراب‌های نیکو ساخته‌اند و دو گور در مقصوره نهاده است، چنان که سرهای ایشان از سوی قبله است. آن که بر دست راست است، قبر اسحق بن ابراهیم و دیگر از آن زن اوست علیه السلام. میان هر دو گور، مقدار ده ارش باشد و در این مشهد، زمین و دیوار را به فرش‌های قیمتی و حصیرهای مغربی آراسته؛ چنان که از دینا نیکوتر بود و مصلی نمازی حصیر دیدم آن جا که گفتند امیرالجیوش که بنده سلطان مصر است فرستاده است، گفتند آن مصلی در مصر به سی دینار زر مغربی خریده‌اند که اگر آن مقدار دینای رومی بودی، بدان بها نیزیدی و مثل آن هیچ جایی ندیدم و بیرون از مقصوره دو خانه است بردست راست، گور ابراهیم خلیل صلوات الله علیه، و خانه و زمین را فرش‌های دینا گرفته و خانه دیگر گور ساره است که زن ابراهیم علیه السلام بوده. (ناصر خسرو، ۱۳۸۲: ۱۵۳ و ۱۵۴)

در این مقبره‌ها نیز به سبک معماری اسلامی، محراب ساخته شده و سنگ‌هایی که در ساخت آن به کار رفته، نیز تراشیده شده، و از چراغدان‌های نقره‌گین برای تزئین استفاده شده است. به گفته ناصر خسرو، امیرالجیوش نیز مصلاهی نماز برای آنجا فرستاده و این نشان‌دهنده عنایت سران و بزرگان اسماعیلی به زینت و آرایه‌های مساجد و زیارت‌گاه‌ها است.

ناصر خسرو بعد از اینکه مسجد الاقصی و قبه الصخره و چند جای مذهبی دیگر را در بیت المقدس توصیف کرده، به ذکر ویژگی کلیسایی در آنجا به نام بیعه القمامه، پرداخته است: ترسایان را به بیت المقدس کلیسایی است که آن را بیعه القمامه گویند و آن را عظیم بزرگ دارند و هر سال از روم، خلق بسیار آنجا آیند به زیارت و ملک الروم نیز نهانی بیامد، چنان که کس نداند و به روزگاری که عزیز مصر، الحاکم بامر الله بود، قیصر روم آنجا آمده بود و هم حاکم فرمود تا آن کلیسا را غارت کردند و بکنند و خراب کردند و مدتی خراب بود، بعد از آن قیصر، رسولان فرستاد و هدایا و خدمت‌های بسیار کرد و صلح طلبید و شفاعت کرد تا اجازت عمارت کلیسا دادند و این کلیسا جایی وسیع است، چنان که هشت هزار آدمی را در آن، جا باشد، هم به تکلف بسیار ساخته، از رخام رنگین و نقاشی و تصویر، کلیسا را از اندرون به دیبای رومی

بیاراسته و مصور کرده و بسیار زر طلا بر آنجا به کار برده و صورت عیسی علیه السلام، چند جا ساخته که بر خری نشسته و صورت دیگر انبیاء چون ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و فرزندان او علیهم السلام بر آنجا کرده و به روغن سندروس بر دهن کرده و به اندازه هر صورتی آبگینه‌ای رقیق ساخته و بر روی صورت‌ها نهاده، عظیم شفاف، چنان که هیچ حجاب صورت نشده است و هر روز آن آبگینه‌ها را خادمان پاک کنند و جز این چند موضع دیگر است همه به تکلف، چنان که اگر شرح آن نوشته شود، به تطویل انجامد. (ناصر خسرو، ۱۳۸۲: ۱۵۵)

این که قیصر روم نهانی به کلیسا آمده بوده، نشان‌دهنده عدم تسامح در آن موقع بین مذاهب مختلف است. با توجه به گنجایش هشت هزار نفر مشخص می‌شود که وسعت کلیسا خیلی زیاد بوده، برای تزئین آن از نقاشی و تصویرگری استفاده شده است. وزیری در کتاب تاریخ عمومی هنر در خصوص معماری کلیساها می‌گوید:

طلوع مذهب مسیح و دین اسلام، تغییراتی کلی در مظاهر زندگی ملت‌هایی که این آیین‌ها را پذیرفته بودند به وجود آورد، و هنر این ملت‌ها نیز از این تغییرات بر کنار نماند. هنر اولیه مسیحی به وسیله کلیسا هدایت می‌شد، از گران‌بهاترین مواد در تزئین داخلی کلیسا استفاده کردند، نقش‌ها و نگارها از معنایی درونی سرشارند، صحنه‌های مذهبی از زندگی قدسین و پیامبران دیوارها را پر کرده است، هنر اولیه مسیحی تالیفی است از هنر شرق و غرب. نقاشی‌ها و نقش‌های برجسته همه ارزش مذهبی و تربیتی داشتند و هدفشان رهبری مردم بود. (نک. وزیری، ۱۳۶۹: ۱ تا ۱۷)

۲-۲. رونق اقتصادی در شهرها

از گفته‌های ناصر خسرو می‌توان تصویر روشنی از رونق اقتصادی و رفاه در شهرها به دست آورد. وی به هر شهری که وارد می‌شود، چنان دقیق به معرفی شهر از جنس باروهای آن گرفته تا مصالح به کار رفته در خانه‌ها و محصولات و میزان آب می‌پردازد که از این توصیف‌ها می‌توان به میزان برخورداری مردم از لوازم رفاه و چگونگی اوضاع اقتصادی پی برد. از جمله شهرهایی که وی به توصیف آن مبادرت کرده، شهر رمله است. پیش از وصف ناصر از این شهر، از زبان جغرافی‌دانان با آن آشنا می‌شویم.

مقدسی این چنین شهر رمله را توصیف می‌کند:

قصبه فلسطین، دلگشا، زیبا، خوش‌ساخت، سبک‌آب، زرخیز و پر میوه است. در میان روستاهای بزرگ، شهرهای ثروتمند، زیارتگاه‌های گرانقدر و دیه‌های خوب جا دارد. بازرگانی سودمند، زندگانی مرفه دارد. مهمان‌خانه‌ها زیبا، گرمابه‌ها پاکیزه، خوراکی‌ها گوارا و خورش بسیار. خانه‌ها گشاده، مسجدها نیکو و خیابان‌ها فراخ و همه چیز را با هم دارد. کشتزار دیمی پر ثروت و برکت دارد. انجیر و خرما را با هم دارد. مغازه‌های زیبا در آن وجود دارد. (مقدسی،

بعد از معرفی رمله از زبان مقدسی و خوافی به توصیفات ناصر خسرو در مورد شهر رمله و خانه‌های آن می‌پردازیم:

رملة شهرستانی بزرگ است و باروی حصین از سنگ و گچ دارد، بلند و قوی؛ و دروازه‌های آهنین بر نهاده، و از شهر تالاب دریا سه فرسنگ است، آب ایشان از باران باشد و اندر همه سرای حوض‌ها باشد که آب باران بگیرند و همیشه از آب ذخیره باشد. در میان مسجد آدینه حوض‌های بزرگ است که چون پر آب باشد هر که خواهد برگیرد و نیز دور مسجد آنجا سیصد گام اندر دوپست گام مساحت است... در این شهر رخام بسیار است و بیش تر سراها و خان‌های مردم مرخم است به تکلف و نقش ترکیب کرده و رخام را به آره می‌برند که دندان ندارد و ریگ مکی در آنجا می‌کنند. و انواع و الوان رخام‌ها آنجا دیدم از ملمع و سبز و سرخ و سیاه و سفید و همه لونی، و آنجا نوعی انجیر است که به از آن هیچ جا نباشد. (ناصر خسرو، ۱۳۸۲: ۱۳۹)

رملة از شهرهای ساحلی شام بوده که تحت سلطه فاطمیان قرار داشته‌است. مطابق گفته مقدسی، رواج بازرگانی در آن شهر در بهبود زندگی مردم تأثیرگذار بوده‌است. مصالح به کار رفته در ساختمان‌ها و امکانات عمومی مانند مسجد، حوض‌های آبگیر و باروی حصین، بیان‌گر وضعیت اقتصادی مطلوب در این شهر است.

از دیگر شهرهایی که نظر ناصر خسرو را به خود جلب کرده، شهر حلب است. قبل از آنکه به سخنان ناصر خسرو پردازیم، اندکی با این شهر آشنا می‌شویم.

مقدسی حلب را شهری زیبا، ساده و بارودار معرفی می‌کند. «مردمش خوش‌زبان، مرفه و خردمندند، ساختمان‌هایش از سنگ و خوش‌نماست. مسجد جامع در میان شهر است. در میان شهر دژی بزرگ و استوار هست، آشامیدنی مردم از نهر قویق است که به شهر وارد می‌شود» (مقدسی، ۱۳۸۵: ۲۱۸).

به گواهی تاریخ این شهر در قرن پنجم جزء قلمرو فاطمیان بوده است. «با افزایش قدرت فاطمیان، آن‌ها توانستند مصر و شام و حجاز را تصرف کنند و ممالک اسلامی میان ایشان و عباسیان تقسیم شد» (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۳۰۱).

ناصر خسرو این چنین حلب را توصیف می‌کند: «حلب را شهر نیکو دیدم. باره‌ای عظیم دارد، ارتفاعش بیست و پنج ارش قیاس کردم و قلعه‌ای عظیم همه بر سنگ نهاده؛ به قیاس چند بلخ باشد، همه آبادان و بناها بر سر هم نهاده و آن شهر باجگاه است میان بلاد شام و روم و دیار بکر و مصر و عراق؛ و از این همه بلاد تجار و بازرگانان آنجا روند» (ناصر خسرو، ۱۳۸۲: ۱۳۰).

ناصر خسرو در مسیر سفر خود بعد از گذشتن از طرابلس و شهر جبیل، به بیروت و از آنجا به صیدا می‌رود و صیدا را به مقصد صور ترک می‌کند، اما ظاهر صور برای ناصر خسرو از نظر رفاهی قابل توجه بوده و به همین دلیل این شهر وی را به تأمل واداشته تا چند سطری از

سفرنامه‌اش را به ویژگی‌های این شهر اختصاص دهد. مقدسی این گونه صور را توصیف می‌کند: «شهری بارومند، برکانه دریا، بلکه در خود آن است. دریا دورادور آن را فراگرفته و سمت خشکی آن سه دیواره (در آب) است نه زمین. صور شهری مهم است و صنایع و ویژگی‌هایی مانند بصره دارد، آب و نیستان بسیار دارد» (مقدسی، ۱۳۸۵: ۲۳۰). نظر ناصر خسرو درباره شهر صور این گونه است

چون از آنجا (صیدا) پنج فرسنگ بشدیم به شهر صور رسیدیم، شهری بود در کنار دریا، سنجی، و آنجا آن شهر ساخته بود و چنان بود که باره شهرستان صدگر بیش بر زمین خشک نبود، باقی اندر آب دریا بود و باره‌ای سنگین تراشیده و درزهای آن را به قیر گرفته تا آب در نیاید و مساحت شهر هزار در هزار قیاس کردم و تیمه پنج، شش طبقه بر سر یکدیگر و فواره بسیار ساخته و بازارهای نیکو و نعمت فراوان و بر در شهر مشهدی راست کرده‌اند و آنجا بسیار فرش و طرح و قنادیل و چراغدان‌های زرین و نقره‌گین نهاده. (ناصر خسرو، ۱۳۸۲: ۱۳۵).

۲-۱- بازارهای نیکو

بازار یکی از مهم‌ترین بناهای عمومی شهرهای گوناگون است که در وهله اول برای عرضه، تولید، تبادل و خرید و فروش کالا شکل گرفت، ولی بعدها کارکرد متفاوت اجتماعی پیدا کرد و رونق اقتصادی منجر به پیدایش انواع بازار شد. بازار از عوامل مؤثر در رشد اقتصادی شهرهاست. هر چه بازارها بزرگ‌تر باشند و کالاهای بیشتری در آن‌ها مبادله شود، کارایی بیشتری در رشد اقتصادی دارند. یکی از دلایل پیشرفت اقتصادی مصر، وجود بازارهای خوب و کالاهای متنوع و بنادر تجاری بوده که سهم مهمی در دادوستد ایفا می‌کرده‌است. ناصر خسرو در مسیر خود به بازارهای شهرها نیز توجه کرده و اجناسی را که در آنها مورد معامله قرار می‌گرفته بیان کرده‌است. یکی از شهرهایی که دارای بازاری نیکو بوده و مورد توجه ناصر خسرو قرار گرفته، شهر مصر است. «وضعیت اقتصادی در مصر بسیار خوب بوده و مدیترانه در اقتصاد سهم مهمی داشته و ارتباط تجاری مصر با شهرهای روم نشان از جایگاه اقتصادی مصر در مدیترانه دارد» (بویل، ۱۳۸۱: ۲۶۴).

این شهر، تحت تسلط حکومت فاطمیان قرار داشته که مذهب اسماعیلی داشتند، یکی از کارکردهای حاکمیت دینی اسماعیلیه، وعده اصلاح پدیده‌های نامطلوب اجتماعی چون فقر و نابرابری اجتماعی و اقتصادی بود و نخستین پیام المعز بالله ایجاد عدالت و گسترش عدل الهی بود.

با توجه به اینکه ناصر خسرو دارای مذهب اسماعیلی بوده و مبلغ دین اسماعیلی و مصر تحت فرمان فاطمیان قرار داشته‌است، می‌توان گفت توصیف شهر مصر، قصرهای با عظمت، معماری، تمدن و شکوه آن و دیگر مواردی که نشان دهنده وضعیت مطلوب دولت

فاطمیان است، بر ذهن و قلم ناصر خسرو تاثیر داشته است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت نوعی تبلیغ در جهت مذهب اسماعیلی و کارکرد مثبت آن بوده است. در ادامه نگاهی به جملاتی از زبان ناصر خسرو در این باره می‌اندازیم تا بیشتر با بازارهای این شهر آشنا شویم: اهل شهر (مصر) عظیم توانگر بودند، در آن وقت که آنجا بودم و در سنه‌ی تسع و ثلثین و اربعمائه سلطان را پسری آمد، فرمود که مردم خرمی کنند، شهر و بازار بیاراستند، چنان که اگر وصف آن کرده شود، همانا که بعضی مردم باور نکنند و استوار ندارند، که دکان‌های بزازان و صرافان و غیرهم چنان بود که از زر و جواهر و نقد و جنس و جام‌های زربفت و قصب، جایی که کسی بنشیند نبود و همه از سلطان ایمن‌اند که هیچ‌کس از عوانان و غمّازان نمی‌ترسید و برسلطان اعتماد داشتند که برکسی ظلم نکند، به مال کسی هرگز طمع نکنند، و آن جا مال‌ها دیدم از آن مردم که اگر گویم یا صفت کنم، مردم عجم آن را قبول نیفتد و مال ایشان را حد و حصر نتوانستم کرد و آن آسایش که آن‌جا دیدم، هیچ‌جا ندیدم و آنجا شخصی ترسا دیدم که از متمولان مصر بود، غرض آن که یک سال آب نیل وفا نکرد و غله گران شد، وزیر سلطان این ترسا را بخواند و گفت سال نیکو نیست، تو چندان غله توانی بدهی، ترسا گفت به سعادت سلطان چندان غله مهیا دارم که شش سال نان مصر بدهم. چه ایمن رعیتی و عادل سلطانی بود که در ایام ایشان چنین حال‌ها باشد و چندین مال که نه سلطان برکسی ظلم و جور کند و نه رعیت چیزی پنهان و پوشیده دارد. (ناصر خسرو، ۱۳۸۲: ۱۷۴ و ۱۷۵)

ناصر خسرو رابطه بین سلطان و مردم را رابطه‌ای مسالمت‌آمیز، به دور از ظلم و ستم توصیف می‌کند و سلطان را شخصی عادل می‌داند که به فکر مردم عادی است و از نبود غله و گرانی آن برای مردم نگران است، و به همین دلیل با تدبیر به فکر راهی برای به‌دست آوردن غله برای مردم خود است. ناصر، برخورد پادشاه را در نوع رفتار مردم مؤثر می‌داند.

یکی دیگر از عوامل رفاه نسبی مردم شهر مصر، عدالت سلطان آن شهر بیان شده که در مبانی اقتصاد اسلامی نیز بر عدالت حاکمان تأکید شده است: «عدالت اجتماعی در بعد اقتصادی از نظر اسلام با تأمین زندگی متوسط اجتماعی برای فقرا و جلوگیری از انباشته شدن ثروت در دست اغنیا تحقق می‌یابد» (همان: ۱۹۷).

ناصر خسرو بازار شهر تنیس را نیز توصیف می‌کند، اما قبل از ورود به بحث اصلی، با تنیس آشنا می‌شویم. مقدسی تنیس را این‌گونه معرفی می‌کند: «در میان دریای روم و رودخانه نیل، دریاچه‌ای هست که جزیره‌ای کوچک در حد خود دارد که همه آن به صورت یک شهر ساخته شده است. جامعی گرانمایه و کاخ‌هایی بلند دارد، شهری سودآور و مرفه است، ولی در جزیره‌ای تنگ قرار گرفته، و دورادورش را دریای کثیف گرفته، بیشتر مردم قبطی هستند» (مقدسی، ۱۳۸۵: ۲۸۷).

یکی از پایه‌های اقتصادی در آن دوران صنایع، بخصوص بافندگی بوده که به اقتصاد شهر تنیس کمک زیادی کرده بود.

خوافی نیز تنیس را در میان دریا می‌داند و جزیره‌ای بزرگ افتاده که در این شهر درخت نیست. عمارات را از خشت می‌داند. وی اشاره می‌کند که هر صنّاعی رسته‌ای جداگانه دارد و مسجد جمعه بزرگ دارد، در این شهر قصب بسیار بافند و در شهر تنیس جامه بوقلمون و در دمیاط قصب سفید می‌بافند (نک. خوافی، ۱۳۷۵: ۳۰۱).

ناصر خسرو در توصیف شهر تنیس گوید:

در کشتی نشستم تا تنیس و آن تنیس جزیره‌ای است و شهری نیکو از خشکی دور است، چنان که از بام‌های شهر ساحل نتوان دید، شهری انبوه و بازارهای نیکو و دو جامع در آنجاست و به قیاس، ده‌هزار دکان در آن جا باشد و صد دکان عطاری باشد، و آنجا در تابستان در بازارها کشکاب فروشند که شهری گرمسیری است و رنجوری بسیار باشد، و آنجا قصب رنگین بافند از عمامه‌ها و وقایه‌ها و آنچه زنان پوشند. از این قصب رنگین هیچ‌جا مثل آن بافند که در تنیس، و آنچه سپید باشد به دمیاط بافند و آنچه در کارخانه سلطانی بافند به کسی نفروشد و ندهند. شنیدم که ملک فارس بیست هزار دینار به تنیس فرستاده بود تا به جهت او یک دست جامه خاص بخرند و چند سال آنجا بود و نتوانستند خریدن. (ناصرخسرو، ۱۳۸۲: ۱۵۶ و ۱۵۷)

شهر تنیس جزیره‌ای بوده و همان‌طور که ناصرخسرو بیان کرده، همه معاملات باکشتی انجام می‌شده است. این مسئله به رونق تجارت در این منطقه منجر شده است. صنعت نساجی نیز از عوامل پیشرفت اقتصادی در این شهر است، مسلمانان در حریربافی و تهیه پارچه‌های گلدار ابریشمی و فرش بافی یکه بودند و بافتنی‌های مصر نیز شهرت داشته است.

۲-۳. امکانات عمومی

ناصرخسرو طی مسیر خود شهرهایی را که تا حدودی دارای امکانات عمومی بوده‌اند، مورد توجه قرار داده و آن‌ها را در سفرنامه خود ذکر کرده که یکی از این شهرها طبریه است.

دزفولیان می‌گویند: «طبریه را هردوس آنتیناس در سال ۲۶ بنا نهاد، در سال ۱۳ هـ ق طبریه به تصرف مسلمانان درآمد» دزفولیان به نقل از حدود العالم: ۱۷۳ می‌گویند: «طبریه قصبه اردن است. شهری است، حرم و آبادان و با نعمت و آب‌های روان» (دزفولیان، ۱۳۸۷: ۹۴۹). خوافی نیز می‌گوید که طبریه چشمه‌ای دارد که آبش گرم است و تا با آب سرد مختلط نکنند، نمی‌توان استفاده کرد (نک. خوافی، ۱۳۷۵: ۳۷۹).

ناصرخسرو هم در مورد طبریه آورد:

این شهر (طبریه) را دیواری است حصین چنان که از لب دریا گرفته‌اند و گرد شهر گردانیده و از آن طرف که دریاست، دیوار ندارد. بناهای بسیار در میان آب است و زمین دریا سنگ است و

منظرها ساخته‌اند بر سر استوان‌های رخام که استوان‌ها در آب است و در آن دریا‌های بسیار است و در میان شهر آدینه است و بر در مسجد چشمه‌ای است و بر سر آن چشمه گرمابه‌ای ساخته‌اند و آب آن چنان گرم است که تا به آب سرد نیامیزند، بر خود نتوان ریخت و گویند آن گرمابه سلیمان بن داود است و مسجدی دیگر به نام یاسمن در این شهر وجود دارد (ناصر خسرو، ۱۳۸۲: ۱۳۷).

این شهر دارای امکانات و شاخص‌هایی از قبیل بهداشت، آب، دیوارهایی برای ایجاد امنیت و مسجد است که تا حدودی رفاه نسبی را فراهم می‌کند و تقریباً دارای شرایط اقتصادی خوبی است.

یکی دیگر از شهرهایی که دارای امکانات نسبتاً خوبی است، شهر قاهره است. شاخص‌های رفاه از قبیل گرمابه، کاروانسرا، دکان و عمارت‌های نیکو در شهر قاهره وجود دارد. این شاخص‌ها حاکی از امکانات مطلوب در این شهر است. ناصر خسرو می‌گوید:

... و تقدیر کردم که در این شهر قاهره از بیست هزار دکان کم نباشد، همه ملک سلطان و کاروانسرای و گرمابه و دیگر عمارات چندان است که آن را حد و قیاس نیست و شنیدم که در قاهره و مصر هزار سراسر از آن سلطان، که آن را به اجارت دهند، هر ماه کرایه ستاند و همه به مراد مردم به ایشان دهند و از ایشان ستانند، نه آنکه بر کسی به نوعی تکلیف کند. (ناصر خسرو، ۱۳۸۲: ۱۶۳ و ۱۶۴).

شهر دیگری که به واسطه داشتن امکانات عمومی مورد توجه قرار گرفته، شهر ابله است که درباره آن قرچانلو نویسنده جغرافیای تاریخی به نقل از جغرافی‌نویسان آورد:

اصطخری می‌گوید: « ابله شهری کوچک است، لیکن نعمت فراوان دارد و آبادان است؛ همچنین از قول صاحب حدود العالم می‌نویسد: « از ابله دستار و عمامه بلی خیزد.» از قول قزوینی گوید: « طرف شرقی ابله آباد است و باغات بسیار دارد، از دجله آب خورند» و از ابن بطوطه آورد: «شهر بزرگی بوده که تجار هند و فارس، اجناس را به آنجا می‌آورده‌اند. و از مقدسی نقل کند: ابله در دهانه نهر بصره است. (قرچانلو، ۱۳۸۵، ۲۸۴ و ۲۸۵).

ابله جزء حوزه عراق است و عراق تحت تسلط عباسیان بوده است. با توجه به نزدیکی این شهر به دجله، امر کشاورزی و تجارت از طریق آب مهم‌ترین منبع اقتصادی آن محسوب می‌شده است. در سفرنامه ناصر خسرو این چنین درباره شهر ابله آمده:

شهر ابله که بر کنار نهر است و نهر بدان موسوم است، شهری آبادان دیدم با قصرها و بازارها و مساجد و اربطه که آن را حد و وصف نتوان کرد و اصل شهر بر جانب شمال نهر بود و از جانب جنوب نیز محلت‌ها و مساجد و اربطه و بازارها و بناهای عظیم بود، چنان که از آن نزه‌تر در عالم نباشد و آن را شق عثمان می‌گفتند و شط بزرگ که آن فرات و دجله است و نهر معقل و نهر ابله به بصره به هم رسیده‌اند و آن را شط‌العرب گویند و بر شرقی ابله است. (ناصر خسرو، ۱۳۸۲: ۲۱۱)

در حوزه ایران - که سلاطینش مطیع خلیفه بغداد بوده‌اند - از جمله شهرهایی که از نظر داشتن امکانات مورد توجه ناصر خسرو قرار گرفته، اصفهان است.

دزفولیان به نقل از یاقوت می‌گویند: «اصفهان شهری بزرگ و معروف و از مهم‌تر شهرهاست، شهرستان آن نخست «جبه» بود، سپس «یهودیه» شد.»؛ لسترنج می‌گوید: «این شهر به سبب حاصلخیزی اراضی خود که از آب زاینده رود سیراب می‌گردد، نقطه مهمی بوده است.»؛ ابن حوقل می‌گوید: «اصفهان یک مرکز تجاری بود و از آنجا پارچه‌های گران‌قیمت زیاد صادر می‌گردید» (دزفولیان، ۱۳۸۷: ۱۰۶ تا ۱۰۹).

ناصر خسرو درباره اصفهان می‌گوید:

... شهری است بره‌امون نهاده، آب و هوایی خوش دارد و هر جا که ده گز چاه فرو برند، آبی سرد خوش بیرون آید و شهر دیواری حصین بلند دارد و دروازه‌ها و جنگ‌گاه‌ها ساخته و برهمه بارو کنگره ساخته و در شهر جوی‌های آب روان و بناهای نیکو مرتفع و در میان شهر، مسجد آدینه بزرگ نیکو و باروی شهر را گفتند سه فرسنگ و نیم است، و اندرون شهر همه آبادان، که هیچ از وی خراب ندیدم و بازارهای بسیار. و بازاری دیدم از آن صرافان، که اندرو دویت مرد صراف بود و هر بازاری را دربندی و دروازه‌ای. و همه محلت‌ها و کوچه‌ها را همچنین در بندها و دروازه‌های محکم و کاروان‌سراهای پاکیزه بود و کوچه‌ای بود که آن را کوطراز می‌گفتند و در آن کوچه پنجاه کاروانسرای نیکو و در هر یک بیاعان و حجره‌داران بسیار نشسته و این کاروان که ما با ایشان همراه بودیم یک هزار و سیصد هزار بار داشتند، که در آن شهر رفتیم هیچ بازدید نیامد که چگونه فرو آمدند که هیچ جا تنگی موضع نبود و نه تعدر مقام و علوفه. (ناصر خسرو، ۱۳۸۲: ۲۱۴ و ۲۱۵).

از قدیم این شهر از لحاظ جوی، جغرافیایی، آب‌های زیرزمینی و معماری، از موقعیت خوبی برخوردار بوده است و آب‌های روانی نیز دارد که در رونق کشاورزی تأثیر بسزایی داشته است.

۲-۴. محصولات متنوع

محصولات متنوع کشاورزی یکی از عواملی است که می‌تواند در بهبود وضعیت اقتصادی جامعه نقش ایفا کند. در قرن‌های چهارم و پنجم هجری، حکومت عباسیان و فاطمیان به نقش و اهمیت کشاورزی پی‌برده بودند و اقداماتی نیز برای پیشرفت کشاورزی انجام دادند. پس از حکومت عباسیان و تشکیل حکومت‌های محلی و تسلط اقوام ترک در وضع اقتصاد روستایی ایران، تحولات زیادی به وجود آمد، غزنویان در اجرای عدالت و توسعه و عمران روستاها کمی تعلل ورزیدند. در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری، کشت انواع محصولات کشاورزی توسعه یافت، بخصوص کشت برنج که قبلاً متروک بود، سلجوقیان نیز به تیول‌داری توجه می‌کردند. (تاج‌بخش، ۱۳۸۱: ۶۵۰ تا ۶۵۴)

نکته دیگری که ضمن عبور از شهرها نظر ناصرخسرو را به خود جلب کرده، تولید محصولات متنوع کشاورزی بوده است. اولین شهری که مورد توجه وی قرار گرفته، قزوین است. وی درباره قزوین می گوید: «نهم محرم به قزوین رسیدم، باغستان بسیار داشت، بی دیوار و خار و هیچ چیز که مانع رفتن شود در رفتن راه نبود، و قزوین را شهری نیکو دیدم باروی حصین و کنگره بر آن نهاده و بازارها خوب، جز آن که آب در وی اندک بود در کاریز به زیر زمین» (ناصرخسرو، ۱۳۸۲: ۱۲۵).

ناصرخسرو پس از طی شهرهای ایران به حوزه شام وارد می شود. از جمله شهرهایی که توجه او را از نظر محصولات کشاورزی جلب کرده، معره النعمان است. خوافی این شهر را چنین معرفی کرده است:

مدینه ای است از شام. در شام دو معره است، یکی معره النعمان و یکی معره مصرین؛ اول را به النعمان نسبت کرده اند و دوم را به بنی عداوه؛ معره النعمان معمور است و میوه بسیار دارد. اهل آن از چاه آب می خورند یوشع بن نون در این مقام می بوده و یهود آن موضع را معظم دارند. در آنجا درخت فستق نیز باشد و زیتون. (خوافی، ۱۳۷۵: ۳۴۹)

ناصرخسرو این چنین معره النعمان را توصیف می کند:

بازارهای او (معه النعمان) بسیار معمور دیدم و مسجد آدینه شهر بر بلندی نهاده است. در میان شهر از هر جانب که خواهند به مسجد شوند، سیزده درجه بر بالا باید شد و کشاورزی ایشان همه گندم است، و بسیار است و درخت انجیر و زیتون و پسته و بادام و انگور فراوان است. و آب شهر از باران و چاه باشد. (ناصرخسرو، ۱۳۸۲: ۱۳۰ و ۱۳۱)

شهر دیگری که ناصرخسرو به واسطه داشتن محصولات متنوع آن را مورد توجه قرار داده، طرابلس است که از زبان مقدسی آن را معرفی می کنیم: «شهری بزرگ برکنار دریاست، بارویی از سنگ دارد، ... آب از چاه و باران دارند، سیب و فرآورده های شیر و عسل فراوان است و نامی پرآوازه دارد» (مقدسی، ۱۳۸۵: ۳۱۳).

ناصرخسرو طرابلس را این گونه معرفی می کند:

از حلب تا طرابلس چهل فرسنگ بود بدین راه که ما رفتیم. روز شنبه پنجم شعبان آنجا رسیدیم، حوالی شهر همه کشاورزی و بساتین و اشجار و نیشکر بسیار بود و درختان نارچ و ترنج و موز و لیمو و خرما و شیره نیشکر در آن وقت می گرفتند. شهر طرابلس چنان ساخته اند که سه جانب او با آب دریاست، که چون آب دریا موج می زند مبلغی بر باروی شهر بر رود؛ چنان که یک جانب که با خشکی دارد کنده ای عظیم کرده اند و در آهنین محکم بر آن نهاده اند. (ناصرخسرو، ۱۳۸۲: ۱۳۲ و ۱۳۳).

«از مهم‌ترین محصولات زمستانی در دوره فاطمیان گندم، شبنم، کتان و مهم‌ترین محصولات تابستانی، انگور، هلو، نارنج، گلابی، لیمو شیرین، خربزه، برنج و نیشکر بود» (البرای، به نقل از خواجه میرزا، ۱۳۹۲: ۱۰۴).

شهر دیگری که از نظر داشتن محصولات متنوع مورد توجه ناصر خسرو قرار گرفته، قیساریه است که بعد از آشنایی مختصری با آن به معرفی آن از زبان ناصر خسرو می‌پردازیم. مقدسی قیساریه را بر کرانه دریای روم می‌داند و معتقد است شهری مهم‌تر و پرخیرتر از آن نیست، نعمت آن سرشار و خیراتش لبریز و میوه نیکو دارد. دورش بارو کشیده، از انبار و چاه‌ها آب می‌آشامند و جامعی زیبا دارد (نک. مقدسی، ۱۳۸۵: ۲۴۴)؛ اما ناصر خسرو این گونه قیساریه را توصیف می‌کند: «و از آنجا (تماسیح) به شهری رسیدیم و آن را قیساریه خوانند و از مکه تا آنجا هفت فرسنگ بود، شهری نیکو با آب روان و نخلستان و درختان نارج و ترنج و باروی حصین و دری آهین و چشمه‌های آب روان در شهر و مسجد آدینه‌ای نیکو...» (ناصر خسرو، ۱۳۸۲: ۱۳۸).

شهر قیساریه دارای آب روان بوده، همین امر بر کشاورزی منطقه تاثیر گذار بوده است. در سفر به بیت المقدس، تنوع محصولات این منطقه توجه ناصر خسرو را به خود جلب کرده است. وی در توصیف محصولات بیت المقدس می‌گوید:

سواد و رستاق بیت المقدس همه کوهستان است، همه کشاورزی و درخت زیتون و انجیر و غیره تمامت بی‌آب است و نعمت‌ها فراوان و ارزان باشد و کدخدایان باشند که هر یک پنجاه هزار من روغن زیتون در چاه‌ها و حوض‌ها پرکنند و از آنجا به اطراف عالم برند و گویند به زمین شام قحط نبوده است و از ثقات شنیدم که یکی از بزرگان پیغمبر علیه السلام و صلوه را به خواب دید که گفتی یا پیغمبر خدا ما را در معیشت یاری کن، پیغمبر (ص) در جواب گفت نان و زیت شام بر من. (ناصر خسرو، ۱۳۸۲: ۱۴۰)

هوای این شهر مرطوب است، هر چند آب زیادی ندارد، اما از نعمت بارندگی برخوردار است و دارای چشمه‌های زیادی است و به همین دلیل دارای کشاورزی است و هر جا که آب نبوده از روش‌های دیم استفاده می‌کرده‌اند.

شهر دیگری که ناصر خسرو از آن گذشته و به توصیف محصولات آن پرداخته، مصر است که آن را این گونه توصیف می‌کند:

در مصر عسل بسیار خیزد و شکر هم. روز سیم دی ماه قدیم از سال چهار صد و شانزده عجم، این میوه‌ها و سپرغم‌ها به یک روز دیدم که ذکر می‌رود و هی هده: گل سرخ، نیلوفر، نرگس، ترنج، نارج، لیمو، مرکب، سیب، یاسمن، شاه‌سپرغم، به انبار، امرود، خربزه دستنبویه، موز، زیتون، بلبله تر، خرما، تر، انگور، نیشکر، بادمجان، کدوی تر، ترب، شلغم، کرنب، باقلای تر، خیار، بادرنگ، پیاز تر، سیر تر، جزر، چغندر. هر که اندیشه کند که این انواع میوه و ریاحین که بعضی

خریفی است و بعضی ربیعی و بعضی صیفی و بعضی شتوی چگونه جمع شده باشد، همانا قبول نکند، فاما مرا در این غرضی نبوده و نوشتم الا آنچه دیدم و بعضی که شنیدم و نوشتم، عهده آن برمن نیست؛ چه ولایت مصر وسعتی دارد عظیم، همه نوع هوا است از سردسیر و گرمسیر، و از همه اطراف هر چه باشد به شهر آورند و بعضی در بازارها می‌فروشند. (ناصر خسرو، ۱۳۸۲: ۱۷۲ و ۱۷۳)

رونق کشاورزی در مصر مرهون رود نیل بوده و هست. در این سرزمین به دلیل وجود مناطق سردسیر و گرمسیر، انواع محصولات وجود دارد. مصریان آب‌گیرهایی در اطراف رود نیل ایجاد می‌کردند و از این آب‌گیرها مراقبت کرده، آنها را لایروبی می‌کردند و زمین‌هایی را که زیر آب می‌رفت، بیاض می‌گفتند و محصولاتی که در آنها کشت می‌شد نیازی به آبیاری نداشت (خواججه میرزا، ۱۳۹۲: ۶۳).

۳. نتیجه

بر اساس شواهد سفرنامه، مناطقی که در حوزه قلمرو فاطمیان واقع بوده‌اند، غالباً اقتصاد شکوفاتر و رفاه نسبتاً مطلوب‌تری داشته‌اند؛ البته این امر تنها به تدبیر حاکمان فاطمی مربوط نیست، بلکه شرایط اقلیمی در برخورداری این مناطق از رفاه، سهم بسزایی داشته‌است. بعید نیست که ناصر خسرو تحت تأثیر گرایش مذهبی خود از وضعیت اقتصادی و رفاهی این سرزمین‌ها تصویر مطلوبی ارائه کرده باشد، اما همچنان که گفته شد، این مناطق از شرایط جغرافیایی مناسبی برخوردار بوده‌اند و این شرایط به علاوه شیوه حکومت‌داری حاکمان فاطمی، منجر به ایجاد اقتصاد شکوفا و امنیت و رفاه شده‌است. اغلب مناطق برخوردار یا در کنار رود و دریا واقع شده‌اند که این امر سبب رونق تجارت و کشاورزی و در نتیجه، تنوع محصولات در آن نواحی بوده‌است یا از میزان بارندگی مناسب و چشمه‌ها و آبگیرهای کافی بهره داشته‌اند

ناصر خسرو در قلمرو خلفای عباسی، به چند شهر برخوردار از رفاه و اقتصاد پر رونق نیز اشاره کرده‌است که از آن میان می‌توان به ابله، معرة النعمان، قزوین و اصفهان و طارم اشاره کرد، اما به نسبت توصیفات حوزه حکومت فاطمیان، رونق این مناطق کمتر نمود یافته‌است.

کتابنامه

الف. کتاب‌ها

۱. ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمن بن محمد. (۱۳۶۶). **العبر**. ج ۳. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲. باری، نورمن. (۱۳۸۰). **رفاه اجتماعی**. ترجمه سید اکبر میرحسینی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.

۳. بویل، جان اندرو. (۱۳۸۱). **تاریخ ایران کمبریج**. ج ۵. ترجمه حسن انوشه. چاپ پنجم. تهران: امیرکبیر.
۴. تاج‌بخش، احمد. (۱۳۸۱). **تاریخ تمدن و فرهنگ ایران**. شیراز: نوید.
۵. تودارو، مایکل. (۱۳۶۶). **توسعه اقتصادی در جهان سوم**. ج ۳. ترجمه غلامعلی فرهادی و حمید سهرابی. تهران: سازمان برنامه و بودجه.
۶. پرایس، کریستین. (۱۳۹۱). **تاریخ هنر اسلامی**. ترجمه مسعود رجب‌نیا. چ هفتم. تهران: امیرکبیر.
۷. جان احمدی، فاطمه. (۱۳۸۸). **تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی**. چاپ سوم. قم: دفتر نشر معارف.
۸. چلونگر، محمدعلی. (۱۳۸۵). **زمینه‌های پیدایش خلافت فاطمیان**. چاپ دوم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. خوافی، شهاب‌الدین عبدالله. (۱۳۷۵). **جغرافیای حافظ ابرو**. تصحیح صادق سجادی. تهران: بنیان.
۱۰. دزفولیان، کاظم. (۱۳۸۷). **اعلام جغرافیایی در متون ادب فارسی تا قرن هشتم هجری**. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۱. طقوش، محمدسهیل. (۱۳۸۷). **دولت عباسیان**. ترجمه حجت‌الله رودکی. چاپ چهارم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۲. قرچانلو، حسین. (۱۳۸۵). **جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی**. چاپ دوم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
۱۳. کسای، نورالله. (۱۳۶۳). **مدارس نظامیه و تأثیرات اجتماعی آن**. تهران: امیرکبیر.
۱۴. گروه اقتصاد حوزه و دانشگاه. (۱۳۷۱). **مبانی اقتصاد اسلامی**. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
۱۵. لین پل، استانلی. (۱۳۶۳). **تاریخ طبقات سلاطین اسلام**. ترجمه عباس اقبال آشتیانی. تهران: انتشارات دنیای کتاب.
۱۶. مقدسی، شمس‌الدین ابو عبدالله. (۱۳۸۵). **احسن‌التقاسیم فی معرفة‌الاقالیم**. ترجمه م. علینقی منزوی. چاپ دوم. تهران: کومش.
۱۷. مک ایودی، کالن. (۱۳۶۵). **اطلس تاریخی جهان از آغاز تا امروز**. ترجمه فریدون فاطمی. تهران: نشر مرکز.
۱۸. ناصر خسرو. (۱۳۸۲). **سفرنامه**. به اهتمام محسن خادم. تهران: ققنوس.
۱۹. وبر، ماکس. (۱۳۸۴). **اقتصاد و جامعه**. ترجمه عباس منوچهری. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
۲۰. وزیر، علی‌نقی. (۱۳۶۹). **تاریخ عمومی هنرهای مصور**. ج ۱ و ۲. چاپ دوم. تهران: هیرمند.

ب. مقالات:

۲۱. خواجه میرزا، محمود. (۱۳۹۲). «منابع مالی فاطمیان». فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام. ش ۱۴. صص ۱۰۱ تا ۱۱۸.
۲۲. عباسی، مصیب. (۱۳۸۷). «مقدمه‌ای بر فعالیت‌های اقتصادی مسلمین در مصر در قرن ۴ و ۵ هجری». پژوهش نامه تاریخ، ش ۱۱. صص ۱۴۷-۱۶۸.
۲۳. مهدوی نژاد، م. (۱۳۸۳). «حکمت معماری اسلامی». نشریه علمی پژوهشی دانشکده هنرهای زیبا. ش ۱۹. صص ۵۷ تا ۶۶.
۲۴. یوسفی، احمدعلی. (۱۳۸۴). «نظام بازار در اقتصاد اسلامی». درج در «مجموعه مقالات همایش اسلام و توسعه اقتصادی». تهران: فرهنگ و توسعه مشاوران ۲۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی